

سنجش میزان رضایتمندی ساکنان بافت‌های فرسوده از شاخص‌های کیفیت زندگی براساس هرم مازلو نمونه موردی: محله کوچه بیوک یزد

محمد رضا رضایی¹، اکرم کریمخانی^{2*}، اقبال کیهانی³، نسیم زهرایی⁴

1- دانشیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه یزد، Mrezaei@yazd.ac.ir

2- کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه یزد، ti.karimkhani@gmail.com

3- کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه یزد، e.keyhani1371@gmail.com

4- کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه یزد، harmonica_ak@yahoo.com

چکیده

توزیع خدمات رفاه عمومی شهری از مهم‌ترین نشانه‌های عدالت اجتماعی در شهر به شمار می‌رود. مسئله‌ی مهم در توزیع عادلانه‌ی امکانات به عنوان راهبرد عدالت اجتماعی، چگونگی توزیع خدمات از جمله خدمات رفاهی و توانایی‌ها بین نواحی شهری است. یکی از اساسی‌ترین عناصر شهری جهت افزایش سطح رفاه اجتماعی مردم شهر، وجود خدمات شهری است. پژوهش حاضر با هدف ارزیابی وضعیت شاخص‌های خدمات رفاهی در محله کوچه بیوک شهر یزد صورت گرفته است. به منظور دستیابی به هدف پژوهش، روش توصیفی-تحلیلی و پیمایشی مبنای گردآوری داده‌ها قرار گرفته است. داده‌های مورد نیاز برای پیش‌بینی متغیر رضایتمندی ساکنین، از طریق پرسشنامه تامین گردید. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران و به منظور تجزیه و تحلیل از روش‌های آماری توصیفی، روش آمار استنباطی (آزمون T یکطرفه، آزمون فریدمن) و پایایی پرسش‌نامه نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ¹ 8٪ محاسبه گردید و در نهایت با شناسایی فرصت‌ها، تهدیدها، نقاط قوت و ضعف محدوده مورد مطالعه با استفاده از جدول SWOT راهبردهای مناسب جهت افزایش میزان رضایت‌مندی ساکنان از محله عنوان گردید. نتایج به دست آمده، میزان رضایتمندی از محله در حد متوسط ارزیابی شد. ساکنان از 7 معیار هرم مازلو، تنها از نیاز به عشق و تعلق، نسبتاً راضی بودند، به طوری که اغلب معیارهای رضایتمندی مانند نیاز به امنیت، نیاز فیزیولوژیکی و آگاهی و احترام و عزت نفس و خودشکوفایی از محله در سطح پایین کیفیتی قرار دارد. بر این اساس به نظر می‌رسد رسیدگی به محلات و کاهش مشکلاتی که ساکنان با آن مواجه هستند، در افزایش رضایتمندیشان موثر و ضرورت آن احساس می‌گردد.

واژگان کلیدی: رضایتمندی ساکنان، دسترسی، خدمات رفاهی، بافت فرسوده، محله کوچه بیوک

1- مقدمه

1-1- طرح مساله

مساله‌ی مهم در برقراری توسعه‌ی پایدار شهری، توجه به شاخص‌های اقتصادی، خدماتی، رفاهی و سلامت اجتماعی شهرها در بستر برنامه‌ریزی است. تفاوت میان نحوه‌ی درآمد در نقاط مختلف شهری، نظریه پردازان شهری رابه ارائه‌ی فرضیه‌هایی پیرامون پیدایش نابرابری، واداشته است (Arbakaf, 2008, 28, Hanik, 2007: 17, Miller, 1999: 1, Blau, 1982). هنگامی که پایین بودن درآمد با فقر ناشی از دسترسی کمتر به کالا و خدمات ارائه شده از سوی بخش دولتی ترکیب شود، به عقب ماندگی نواحی می‌انجامد. توزیع خدمات رفاه عمومی شهری از مهم‌ترین نشانه‌های عدالت اجتماعی در شهر به شمار می‌رود (موسوی و همکاران، 1387: 2). مسئله‌ی مهم در توزیع عادلانه‌ی امکانات به عنوان راهبرد عدالت اجتماعی، چگونگی توزیع خدمات از جمله خدمات رفاهی و توانایی‌ها بین نواحی شهری است (حکمت‌نیا و همکاران، 1386: 1). هم‌چنین

¹Cronbach-alpha